



# حقوق عمومی در اسلام

(مبانی، منابع، نظریه‌های مشروعیت و قوای حکومت)

حسین جوان‌آراسته



پاییز ۱۴۰۲

جوان آراسته، حسین، ۱۳۴۳ -  
 Javan Arasteh, Hussein  
 حقوق عمومی در اسلام (مبانی، منابع، نظریه‌های مشروعیت و قوای حکومت) / حسین جوان آراسته. -- قم: پژوهشگاه  
 حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.  
 ده، ۱۸۲ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۶۹۷؛ حقوق و فقه اجتماعی: ۸۵)  
 بها: ۱۱۵۰۰۰۰ ریال  
 ISBN: 978-600-298-488-3  
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
 کتابنامه. ص. [۱۷۵] - ۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
 ۱. حقوق عمومی (فقه). ۲. Public law (Islamic law). ۳. حقوق عمومی -- جنبه‌های قرآنی. ۴. -- Public law  
 ۵. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
 BP۱۹۸/۶  
 ۲۹۷/۳۷۹  
 شماره کتابشناسی ملی  
 ۹۳۷۱۵۷۸



## حقوق عمومی در اسلام (مبانی، منابع، نظریه‌های مشروعیت و قوای حکومت)

مؤلف: حسین جوان آراسته (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرا: اعظم یزدلی

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۸۸-۳

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
 قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰  
 (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳-۱۵۱-۱۸۵  
 تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰  
[info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir) [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)  
 فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>  
 مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲، تلفن: ۰۲۵-۸۴۲۶۳۵ ۳-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی، ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان متن درس حقوق عمومی در اسلام برای دانشجویان رشته حقوق عمومی در مقطع کارشناسی ارشد مطابق سرفصل‌های جدید تدوین شده است و قابل استفاده برای رشته‌های هم‌سو نیز می‌باشد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر حسین جوان‌آراسته و نیز از ارزیابان محترم، حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد ارسطا و حجت‌الاسلام دکتر ابراهیم موسی‌زاده سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۳
۱. تعریف حقوق عمومی.....	۳
۲. حقوق عمومی و تقسیم‌بندی‌های فقهی.....	۴
۱-۲. فقه فردی و فقه اجتماعی.....	۸
۲-۲. آثار تفکیک بین فقه فردی و فقه اجتماعی.....	۱۱
۱-۲-۲. تمایز در احکام شرعی به لحاظ تمایز در حیثیت فردی و حیثیت اجتماعی.....	۱۱
۲-۲-۲. تمایز در وضع و تفسیر قوانین.....	۱۳
۳. موضوعات حقوق عمومی در متون فقهی.....	۱۴
۴. نگارش‌های ناظر به حقوق عمومی.....	۱۴
۱-۴. نگارش‌های اهل سنت.....	۱۵
۲-۴. نگارش‌های شیعه.....	۱۸
۵. ارکان دولت در اندیشه اسلامی.....	۲۳
۱-۵. رکن انسانی؛ ملت (امت مسلمان و کافران دارای پیمان).....	۲۳
۱-۱-۵. امت (مسلمانان).....	۲۳
۲-۱-۵. اهل ذمه (کافران دارای پیمان).....	۲۴
۲-۵. رکن جغرافیایی؛ قلمرو (دارالاسلام).....	۲۵
۳-۵. رکن اقتداری؛ حاکمیت (ولایت).....	۲۶
۴-۵. رکن تشکیلاتی: حکومت اسلامی.....	۲۷

۲۹	فصل دوم: مبانی و اصول حقوق عمومی در اسلام
۳۰	۱. مبانی حقوق عمومی در اسلام
۳۰	۱-۱. رابطه دین و دولت
۳۱	۱-۱-۱. جامعیت اسلام
۳۲	۱-۱-۲. سیره پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان (علیه السلام)
۳۳	۱-۱-۳. آیات قرآن و احادیث پیشوایان
۳۴	۲-۱. حاکمیت تشریحی
۳۵	۳-۱. عدالت تشریحی (هم‌سویی نظام تشریح با نظام تکوین)
۳۶	۴-۱. نظم عمومی
۳۸	۵-۱. مصلحت عمومی
۳۹	۲. اصول حقوق عمومی در اسلام
۴۰	۲-۱. اصل مشارکت
۴۱	۲-۲. اصل مشورت
۴۳	۲-۳. اصل مسئولیت
۴۴	۲-۴. اصل نظارت
۴۴	۲-۵. اصل رحمت
۴۵	۲-۶. اصل نفی حَرَج
۴۶	۲-۷. اصل نفی ضرر
۴۹	فصل سوم: منابع حقوق عمومی در اسلام
۵۰	۱. قرآن
۵۱	۱-۱. حقوق اساسی (حقوق و تکالیف دولتمردان)
۵۴	۲-۱. حقوق اساسی (حقوق و تکالیف و آزادی‌های مردم)
۵۸	۳-۱. حقوق اداری
۵۹	۴-۱. حقوق و تکالیف مالی و اقتصادی

۶۰	۱-۵. حقوق و تکالیف در روابط خارجی.....
۶۴	۲. سنت.....
۶۵	۲-۱. حق مداری.....
۶۶	۲-۲. عدالت محوری.....
۶۶	۲-۳. ظلم ستیزی.....
۶۷	۲-۴. برابری.....
۶۷	۲-۵. امنیت جانی.....
۶۸	۲-۶. امنیت قضایی.....
۶۸	۲-۷. امنیت مالی.....
۶۹	۲-۸. فقر زدایی.....
۶۹	۲-۹. تأمین اجتماعی.....
۶۹	۲-۱۰. آزادی های سیاسی.....
۷۱	۲-۱۱. شرایط و شاخص های امامت و رهبری.....
۷۲	۲-۱۲. زمامداری به مثابه امانت الهی.....
۷۲	۲-۱۳. مردم داری و چشم پوشی از عیوب مخفی (شیوه حکمرانی).....
۷۳	۳. عقل.....
۷۹	۴. آرای فقهی.....
۸۰	۵. احکام حکومتی.....
۸۴	۶. قراردادهای داخلی و خارجی.....
۸۵	[۷]. عرف.....
۸۹	فصل چهارم: نظریه های مشروعیت.....
۹۰	۱. دیدگاه عامه.....
۹۱	۱-۱. انتخاب اهل حلّ و عقد (بیعت نخبگان).....
۹۲	۱-۲. استخلاف (نصب توسط حاکم پیشین).....

۹۳	۳-۱. استیلا و تَغْلِب (قهر و غلبه).....
۹۴	۴-۱. شورا (نظریه علمای معاصر).....
۹۴	جمع‌بندی.....
۹۶	۲. دیدگاه امامیه.....
۹۷	۱-۲. مشروعیت معصوم.....
۹۷	۱-۱-۲. مشروعیت الهی (در مرحله ثبوت و اثبات ولایت).....
۱۰۰	۲-۱-۲. مقبولیت مردمی (در مرحله اعمال ولایت).....
۱۰۶	۲-۲. مشروعیت غیر معصوم.....
۱۰۶	۱-۲-۲. مشروعیت الهی (نظریه انتصاب).....
۱۰۶	۱-۱-۲-۲. انتصاب (در مرحله ثبوت و اثبات ولایت).....
۱۱۰	۲-۱-۲-۲. انتخاب (در مرحله اعمال ولایت).....
۱۱۱	۲-۲-۲. مشروعیت مردمی (نظریه انتخاب).....
۱۱۳	۳-۲. مقایسه دو نظریه انتخاب و انتصاب.....
۱۱۳	۱-۳-۲. اصول مشترک دو نظریه.....
۱۱۶	۲-۳-۲. اصول نظریه انتخاب.....
۱۱۸	۳-۳-۲. اصول نظریه انتصاب.....
۱۱۹	۳. بیعت و انتخابات.....
۱۲۰	۱-۳. ماهیت بیعت در دیدگاه عامه (تولیت: اعطای ولایت).....
۱۲۱	۲-۳. ماهیت بیعت در دیدگاه امامیه (تَوَلَّى: پذیرش ولایت).....
۱۲۲	۳-۳. انتخابات.....
۱۲۲	۱-۳-۳. در نظام‌های مردم‌سالار.....
۱۲۴	۲-۳-۳. در نظام مردم‌سالار اسلامی.....
۱۲۷	فصل پنجم: قوای حکومت.....
۱۲۷	مقدمه.....



- یک. اهداف حکومت اسلامی ..... ۱۲۸
- دو. حکمرانی اسلامی (ایده، ابزار، فرایند) ..... ۱۳۱
- یکم: تفکیک قوا ..... ۱۳۳
۱. تفکیک قوا در نظام‌های عرفی ..... ۱۳۳
۲. تفکیک قوا در نظام اسلامی ..... ۱۳۵
- ۱-۲. تفکیک قوا در عصر حضور معصوم ..... ۱۳۵
- ۲-۲. تفکیک قوا در عصر غیبت ..... ۱۳۵
- دوم. امام و ولیّ امر (صلاحیت‌ها، محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها) ..... ۱۳۹
۱. صلاحیت‌های ولیّ امر (وظایف و اختیارات رهبر) ..... ۱۳۹
- ۱-۱. ولایت تقنینی ..... ۱۴۰
- ۲-۱. ولایت اجرایی ..... ۱۴۱
- ۱-۲-۱. اعمال مستقیم ولایت ..... ۱۴۱
- ۱-۱-۲-۱. امور اجرایی خاص ..... ۱۴۱
- ۲-۱-۲-۱. احکام حکومتی ..... ۱۴۲
- ۲-۲-۱. اعمال غیر مستقیم ولایت ..... ۱۴۴
- ۳-۱. ولایت قضایی ..... ۱۴۵
۲. محدودیت‌های ولیّ امر (حدود اعمال ولایت) ..... ۱۴۶
- ۱-۲. اعمال ولایت در امور عمومی نه خصوصی ..... ۱۴۶
- ۲-۲. اعمال ولایت در ولایت‌های غیر اختصاصی معصوم ..... ۱۴۷
- ۳-۲. رعایت مصلحت جامعه اسلامی ..... ۱۴۷
۳. مسئولیت‌های ولیّ امر ..... ۱۴۹
- سوم: قوای سه‌گانه ..... ۱۵۰
۱. قوه مقننه ..... ۱۵۱
- ۱-۱. رابطه تشریح (الهی) با تقنین (مردمی) ..... ۱۵۱
- ۱-۱-۱. مراحل تشریح و اعلام حکم شرعی ..... ۱۵۱

۱۵۱	..... ۱-۱-۱-۱. تشریح
۱۵۱	..... ۲-۱-۱-۱. دریافت و ابلاغ شرع
۱۵۱	..... ۳-۱-۱-۱. کشف احکام شرع
۱۵۲	..... ۲-۱-۱. مراحل اجرای حکم شرعی
۱۵۲	..... ۱-۲-۱-۱. اجرای احکام فردی
۱۵۲	..... ۲-۲-۱-۱. اجرای احکام اجتماعی
۱۵۳	..... ۲-۱. جلوه‌های قانون‌گذاری
۱۵۳	..... ۱-۲-۱. تدوین احکام شرعی در قالب مواد قانونی
۱۵۴	..... ۲-۲-۱. تطبیق قواعد فقهی کلی بر مصادیق جزئی
۱۵۵	..... ۳-۲-۱. تشخیص و تعیین موضوع حکم شرعی
۱۵۵	..... ۴-۲-۱. تدوین سیاست‌ها یا قوانین در راستای تحقق احکام شرعی
۱۵۶	..... ۵-۲-۱. تدوین قوانین و مقررات مربوط به نظم اجتماعی
۱۵۷	..... ۳-۱. فتوای معیار در قانون‌گذاری
۱۶۱	..... ۲. قوه مجریه
۱۶۱	..... ۱-۲. ولیّ امر (رهبری)
۱۶۲	..... ۲-۲. مقامات دولتی (رئیس‌جمهور و هیئت‌دولت)
۱۶۲	..... ۱-۲-۲. انتخاب توسط ولیّ امر
۱۶۳	..... ۲-۲-۲. تنفیذ توسط ولیّ امر
۱۶۴	..... ۳. قوه قضائیه
۱۶۵	..... ۱-۳. منصب قضاء (جایگاه قضاوت)
۱۶۵	..... ۲-۳. مشروعیت مقامات قضایی
۱۶۵	..... ۱-۲-۳. مشروعیت در مقام ثبوت
۱۶۷	..... ۲-۲-۳. مشروعیت در مقام اثبات
۱۷۷	..... منابع

## پیشگفتار

یکم. تحولات پرشتاب حقوق عمومی در دوران معاصر و نقش بسزای غرب در این خصوص، قابل انکار نیست. این واقعیت نه بدان معنا است که حقوق عمومی صرفاً خاستگاهی غربی یا غیردینی دارد. عوامل متعددی سبب شده است تا خاستگاه اسلامی حقوق عمومی - چه در سطح مبانی، چه در سطح منابع و چه در رده موضوعات و مسائل - مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گیرد. سیطره دیدگاه‌های پوزیتیویستی بر مبانی و موضوعات حقوقی، به‌طور عام و حقوق عمومی به‌طور خاص و نیز مرعوبیت برخی حقوق‌دانان مسلمانان در مواجهه با آثار و فراورده‌های ترجمه‌شده غربی و تقلید کورکورانه از دو نظام حقوقی عرفی و رومی - ژرمنی، از جمله این عوامل اند. باوجود این، علت‌العلل را در امر دیگری باید سراغ گرفت و آن توهم جدایی دین از سیاست است<sup>۱</sup> که از رهاوردهای آن، تفکیک میان موازین دینی و حقوق عمومی است. مروری بر تاریخ سیاسی اسلام و میراث گرانسنگ اسلامی، ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای را در اختیار حقوق عمومی اسلامی قرار خواهد داد که برای شکوفایی، بالندگی و فربهی آن، اندکی اعتمادبه‌نفس و خودباوری نیاز است. امروزه در سایه انقلاب اسلامی ایران، گام نهادن در این مسیر بیش از پیش هموار شده و درس «حقوق عمومی در اسلام» چنین رسالتی را بر عهده دارد.

دوم. درس «حقوق عمومی در اسلام» با توجه به اهداف زیر ارائه می‌شود:

۱. تعمیق و تقویت اندیشه‌های دینی در حوزه حقوق عمومی؛
۲. افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به رویکرد اسلام به دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حقوق عمومی؛
۳. افزایش آگاهی نسبت به مبانی، اصول و منابع حقوق عمومی در اسلام و برخی نظریه‌های مشروعیت؛

---

۱. در آغاز فصل دوم کتاب، این موضوع بررسی شده است.

۴. آگاهی از موضع نظام حقوقی اسلام نسبت به تفکیک قوا و قوای حکومت.

سوم. با توجه به اقداماتی که در خصوص بازنگری سر فصل‌های درس حقوق عمومی در اسلام صورت گرفته است، متن حاضر تا حد زیادی مطابق این سرفصل‌ها تدوین شده است که در مقایسه با سرفصل‌های پیشین، از دقت، ترتیب منطقی و انسجام بهتری برخوردارند. فصل‌های پنج‌گانه کتاب حاضر عبارت‌اند از: فصل اول: کلیات (شامل مباحث مفهوم‌شناسی، حقوق عمومی و تقسیم‌بندی‌های فقهی، ارکان دولت در اندیشه اسلامی، موضوعات حقوق عمومی در متون فقهی و نگارش‌های ناظر به حقوق عمومی)؛ فصل دوم: مبانی (رابطه دین و دولت، حاکمیت تشریعی، عدالت تشریعی، نظم عمومی، مصلحت عمومی) و اصول حقوق عمومی در اسلام (مشارکت، مشورت، مسئولیت، نظارت، رحمت، نفی حرج و نفی ضرر)؛ فصل سوم: منابع حقوق عمومی در اسلام (قرآن، سنت، عقل، آرای فقهی، احکام حکومتی و قراردادهای داخلی و خارجی)؛ فصل چهارم: نظریه‌های مشروعیت (دیدگاه عامه، دیدگاه امامیه، بیعت و انتخابات در هر دو دیدگاه)؛ فصل پنجم: قوای حکومت (قوه مجریه به همراه بحث تفکیک قوا، قوه مقننه و قوه قضائیه).

ارائه مطالب به‌گونه‌ای است که امکان استفاده از محتوای کتاب برای دانشجویان رشته‌های همگون نیز وجود دارد.

چهارم. متناسب با طرح دیدگاه‌های اسلامی، در مواردی به اصول قانون اساسی یا مواد قانونی مرتبط با متون فقهی نیز اشاره شده است تا تطبیق مباحث با حقوق موضوعه برای دانشجویان به‌آسانی صورت پذیرد.

پنجم. برخی مطالب سودمند داخل کادر و به‌صورت برای مطالعه بیشتر، ارائه شده و در پایان هر فصل، محورهای اصلی آن فصل به‌صورت نموداری عرضه شده‌اند.

ششم. اجر معنوی این اثر را به روح بلند و ملکوتی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله که بالندگی حقوق عمومی اسلامی در نیم قرن اخیر، مرهون مجاهدت‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر اوست، تقدیم می‌کنم.

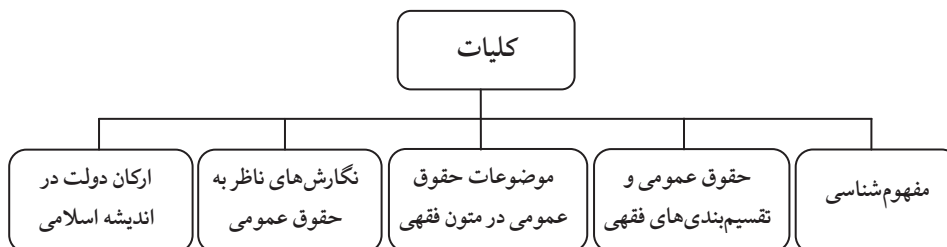
هفتم. نویسنده سپاسگزار همه کسانی خواهد بود که با نقدها و پیشنهادهای خود، نارسائی‌های کتاب حاضر را گوشزد می‌کنند.

مرداد ۱۴۰۲

حسین جوان آراسته

## فصل اول

### کلیات



#### ۱. تعریف حقوق عمومی

حقوق عمومی رشته‌ای از دانش حقوق و بیانگر «قواعد حاکم بر شکل‌گیری و صلاحیت‌های دولت، شیوه به جریان افتادن قدرت، مناسبات زمامداری و عمل حکمرانی» یا «قواعدی برای تأسیس دولت، تنظیم حقوقی روابط سیاسی یا اداری یا مالی میان دولت، نهادهای عمومی و شهروندان و اعمال حاکمیت» است. درک دقیق از حقوق عمومی بستگی به شناخت تفاوت میان حوزه عمومی و حوزه خصوصی و نیز موضوع حقوق عمومی، یعنی حکومت و عمل حکمرانی دارد. «عمل حکمرانی به‌عنوان پدیده‌ای عام هر آن جایی وجود دارد که مردم بخواهند با هم زندگی کنند؛ خواه در خانواده، شرکت، مدرسه یا باشگاه. چنین گروه‌هایی به‌منظور ابقای زندگی جمعی و بی‌تردید برای توسعه و شکوفایی باید مجموعه‌ای از مناسبات حکمرانی را هرچند ابتدایی و اولیه به وجود آورند»<sup>۱</sup>.

در رویکردی اسلامی به حقوق عمومی گفته شده است که «حقوق عمومی مجموعه‌ای از قواعد برآمده از نقل و عقل است که ریشه در مشروعیت الهی و حاکمیت دینی دارد و به‌منظور

۱. لاگلین، مبانی حقوق عمومی، ص ۴۵. نک: الیزابت زولر، در آمدی بر حقوق عمومی. وی حقوق عمومی را حقوق امر عمومی می‌داند (ص ۱۱-۱۶).

تنظیم روابط افراد و شهروندان با دولت و تنظیم روابط موجود میان نهادهای دولتی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و با هدف حق‌مداری انسان و جامعه بر زندگی انسان حاکم است.<sup>۱</sup> در فصل سوم اشاره خواهد شد که منابع حقوق عمومی در اسلام عبارت‌اند از کتاب، سنت، عقل، آرای فقهی، احکام حکومتی و معاهدات بین‌المللی. در صورتی که مشروعیت احکام حکومتی و معاهدات بین‌المللی را برگرفته از «نقل»، یعنی کتاب و سنت، بدانیم، تعریف پیش‌گفته از این جهت مشکلی ندارد. اما نکته قابل‌تأمل این است که اساساً نیازی به گنجاندن منابع و نیز بیان خاستگاه مشروعیت در تعریف حقوق عمومی نیست تا لازمه‌اش مرزبندی در تعریف باشد. دو تعریفی که در ابتدا ارائه شد از منظر اسلامی نیز پذیرفتنی است؛ زیرا وقتی می‌گوییم «قواعد حاکم بر شکل‌گیری و صلاحیت‌های دولت...» یا «قواعدی برای تأسیس دولت، تنظیم حقوقی روابط سیاسی یا اداری یا مالی...»، این قواعد بسته به اینکه عرفی یا اسلامی باشند، تعیین‌کننده فضای حاکم بر حقوق عمومی خواهند بود.

از آنجاکه گاه برای روشن شدن تعریف به اهداف نیز اشاره می‌شود، چهار هدف مهم حقوق عمومی عبارت‌اند از: ۱. مشروعیت‌بخشی به دولت؛ ۲. قانونمند کردن صلاحیت‌های حکومت؛ ۳. تبیین و تضمین حقوق ملت؛ ۴. برقراری نظم و امنیت. البته همان‌گونه که به‌درستی گفته شده است «هدف عالی و غایت قصوای حقوق «تنظیم عادلانه» روابط اجتماعی است<sup>۲</sup> و حقوق عمومی نیز از این امر مستثنا نیست.

## ۲. حقوق عمومی و تقسیم‌بندی‌های فقهی

در دانش حقوق، حقوق به خصوصی و عمومی تقسیم شده است. آیا موضوعات مطرح در فقه را نیز می‌توان به دو حوزه فقه خصوصی و فقه عمومی تقسیم کرد؟ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از قانون مدنی (احوال شخصیه، خانواده، معاملات و...) و قانون مجازات اسلامی، برگرفته از فقه امامیه است. از سوی دیگر، با تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، تلاش درخوری در انطباق مباحث بنیادین حقوق اساسی - که مهم‌ترین شاخه حقوق عمومی است - با فقه اسلام صورت گرفت. به‌رغم وابستگی حقوق به فقه در این حوزه‌ها، در

۱. موسی‌زاده، مبانی حقوق عمومی با تأکید بر منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۹.

۲. دانش‌پژوه، کلیات حقوق اسلام، ص ۵۷.

حوزه‌های دیگر حقوق خصوصی (مانند تجارت، بیمه، حقوق دریایی، روابط موجر و مستأجر، مسئولیت مدنی و...) و نیز شاخه‌های دیگر حقوقی عمومی (مانند حقوق اداری، حقوق کار، حقوق مالی، حقوق بین‌الملل خصوصی و عمومی) قواعد حاکم بر آنها عمدتاً عرفی و برگرفته از تجربیات حقوق غرب است. حال اگر در برخی از این حوزه‌ها امکان تقنین فقهی وجود داشته باشد، با توجه به نوپدید بودن برخی شاخه‌های حقوقی، جایگاه فقهی مناسب آن کجاست و در کدام یک از ابواب فقهی باید بررسی شوند؟ پاسخ‌های سه‌گانه احتمالی عبارت‌اند از: ۱. جانمایی آنها در دسته‌بندی سنتی موجود در کتب فقهی امکان‌پذیر است؛ ۲. می‌توان دسته‌بندی سنتی ابواب فقهی را مطابق دسته‌بندی حقوقی، به فقه خصوصی و فقه عمومی تغییر داد؛ ۳. می‌توان با بازنگری در دسته‌بندی سنتی، الگویی جدید از دسته‌بندی سنتی فقهی متناسب با حوزه‌های خصوصی، عمومی و حکومتی ارائه کرد.

اکنون باید به سراغ دسته‌بندی ابواب فقهی در متون فقهی رفت. محقق حلی، فقیه برجسته قرن هفتم هجری قمری، کتاب شرایع الاسلام را با تقسیم ابواب فقهی به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام، سازماندهی کرد.<sup>۱</sup> ابتکار وی تا کنون مبنای عمل فقیهان قرار گرفته و رایج‌ترین دسته‌بندی ابواب فقهی است. عقود و ایقاعات ذیل عنوان عام «معاملات» قرار می‌گیرند و از این رو می‌توان مطابق دسته‌بندی یادشده، ابواب فقه را ناظر به سه بخش عبادات، معاملات و احکام دانست.

این تقسیم از سوی آیت‌الله شهید مطهری بدین صورت مورد انتقاد قرار گرفته است که محقق حلی در تقسیم خود عبادات را یک بخش قرار داده، ولی در بخش‌های دیگر نیازمندی به صیغه و بی‌نیاز بودن از آن و طرفینی بودن صیغه یا یک‌طرفی بودن آن را ملاک تقسیم و جدا کردن قسمت‌ها و ابواب فقهی قرار داده است. در نتیجه، نکاح و طلاق که هر دو مربوط به حقوق

---

۱. ر.ک: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. عبادات شامل ۱۰ کتاب (طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم، اعتکاف، حج، عمره، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر)، عقود شامل ۲۱ کتاب (تجارت، رهن، فُلس (مُقَلَّس)، حَجْر، ضَمَان (حواله و کفالت ضمن آن آمده است)، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، صدقه، سکنی و حبس، هبه، سبِق و رمايه، وصیت و نکاح)، ایقاعات شامل ۱۲ کتاب (طلاق، ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر، مکاتبه، استیلاء، اقرار، جعاله، ایمان و نذر)، و احکام شامل ۱۲ کتاب (صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیای موات، لقطه، فرائض، قضاء، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات).

خانوادگی است، فقط به دلیل اینکه یکی عقد است و دیگری ایقاع، در دو گروه مختلف قرار گرفته‌اند. همچنین اجاره و جُعالة با همه قرابت ذاتی و ماهوی میان آنها به دلیل اختلاف در عقد و ایقاع بودن از یکدیگر جدا شده‌اند؛ سبق و رمایه به دلیل اینکه مشتمل بر عقد است از جهاد که به خاطر آن تشریح شده به کلی جدا شده است؛ اقرار که از توابع کتاب القضاء است در بخشی غیر از بخش کتاب القضاء واقع شده است؛ کتاب القضاء و کتاب الاطعمة والاشربة و کتاب الارث بدون هیچ مشابهتی به دلیل اینکه نه عبادت‌اند و نه عقد و نه ایقاع در یک گروه قرار گرفته‌اند؛ «احکام» اصطلاح مناسبی برای ابوابی که نه از عباداتشان می‌توان شمرد و نه از عقود و نه از ایقاعات، نیست. تنها بخشی که به حق، بخش مستقل شناخته شده بخش عبادات است که در آن به ماهیت و طبیعت عمل توجه شده است و اگر در سایر بخش‌ها نیز ماهیت و طبیعت موضوعات فقهی را در نظر بگیریم که برخی طبیعت قضایی دارند و حقوق مربوط به آنها حقوق قضایی است و برخی طبیعت اقتصادی دارند و برخی طبیعت جزایی و برخی طبیعت سیاسی و برخی طبیعت اخلاقی و برخی طبیعت دیگر، تقسیم فقه از نظر ابواب و بخش‌ها شکل دیگری به خود می‌گیرد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله شهید صدر در رساله عملیه خود به نام «الفتاوی الواضحة» ابواب فقه را در چهار بخش عبادات، اموال، سلوک خاص و سلوک عام، دسته‌بندی کرده است. مقصود از اموال، اموال خصوصی و عمومی مانند زکات و خمس است. سلوک و رفتار شخصی ناظر به روابط خانوادگی (نکاح و طلاق) و روابط اجتماعی (معاملات، امر به معروف و نهی از منکر) و مجموعه‌ای از نیازهای آدمی (خوراک، پوشاک، مسکن و آداب معاشرت) است. سلوک و رفتار عمومی، دربرگیرنده اموری چون قضا، شهادت، حدود، جهاد، حکومت و روابط بین‌الملل است.<sup>۲</sup> (این بخش موضوعات حقوق عمومی را در بر گرفته است).

عناوین شش‌گانه پیشنهادی آیت‌الله مشکینی برای دسته‌بندی ابواب فقهی عبارت‌اند از:

۱. عبادات (وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره، کفارات بدنی و مالی)؛
۲. امور شخصی غیرعبادی، غیرمالی و غیرخانوادگی (آب‌ها، تخلی، استنجاء، نجاسات، مطهرات، ظروف، دماء ثلاثه، نذر، عهد، یمین، اطعمه و اشربه)؛

۱. مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۲. صدر، الفتاوی الواضحة وفقا لمذهب اهل البيت، ص ۱۱۱-۱۱۲.



## فصل اول: کلیات ۷

۳. امور خانوادگی (نکاح، طلاق،ظهار، ایلاء، لعان، تجهیز اموات، ارث و دفاع)؛
۴. اموال فردی (احیاء موات، صید، ذباحت، تجارت، بیع، اجاره، جعاله، صلح، رهن، مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، ضمان، حواله، کفالت، وکالت، ودیعه، عاریه، وقف، هبه، سکنی، عمری، رقبی، وصیت، غصب و حجر و تقلیس)؛
۵. ولایات و امور مرتبط به جامعه (ولایت و حکومت، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، خمس، زکات، انفال، خراج، سبق و رمایه)؛
۶. امور حقوقی و کیفری (قضاوت، شهادت، اقرار، حدود، تعزیرات، قصاص، دیات و کفارات).<sup>۱</sup>

دسته‌بندی پیشنهادی آیت‌الله عمید زنجانی عبارت است از: ۱. فقه عام (همه مباحث فقهی)؛ ۲. فقه قضائی (مباحث آیین دادرسی و طرق اثبات دعوا)؛ ۳. فقه مدنی (ابواب مختلف عقود معین)؛ ۴. فقه خانواده (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت)؛ ۵. فقه اقتصادی (مالکیت و انواع آن و وظایف مالیه)؛ ۶. فقه عبادی (مباحث عبادات اسلامی)؛ ۷. فقه حقوق عمومی (مسائل مربوط به حسیبه، و حکومت و سیاست خارجی و جهاد و حقوق بین‌الملل).<sup>۲</sup>

و هبه زحیلی، از فقیهان معاصر اهل سنت، ابواب فقه را به شش گروه تقسیم کرده است: ۱. عبادات و آنچه ارتباطی با عبادات دارد؛ ۲. مهم‌ترین نظریه‌های فقهی (اهلیت، ولایت و...)؛ ۳. معاملات: عقود مدنی و توابع آن (رابطه انسان با دیگران)؛ ۴. ملکیت و توابع آن (احکام اراضی، احکام معادن، غصب، لقطه، شفعه و...)؛ ۵. امور مرتبط با دولت (فقه عمومی شامل حدود، جنایات، جهاد، معاهدات، قضاوت، احکام امامت کبری که گاهی احکام سلطانی نامیده می‌شود) و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت، وقف).<sup>۳</sup>

با تأمل در چهار دسته‌بندی اخیر نیز نمی‌توان به ملاک واحد و روشنی برای تقسیم‌بندی‌ها دست یافت.

---

۱. ر.ک: مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۰-۲۱ و ۴۰۵-۴۰۶. ایشان پس از دسته‌بندی خود، اذعان می‌کند که برخی کتاب‌ها از جهات دیگر می‌توانند زیر دو عنوان یا حتی چند عنوان قرار گیرند، نظیر کفارات مالی که هم عبادت‌اند و هم تصرف مالی و هم بُعد کیفری دارند و مجازات شمرده می‌شوند.

۲. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۷ (مبانی حقوق عمومی در اسلام)، ص ۳۸.

۳. زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۷۳.

## ۲-۱. فقه فردی و فقه اجتماعی

هرچند تقسیم‌بندی‌های مختلفی از قبیل فقه حکومتی، فقه سیاسی و فقه دولت وجود دارد،<sup>۱</sup> ولی به نظر می‌رسد فقه را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی ابتدا به فقه فردی و فقه اجتماعی تقسیم کرد. فقه فردی همان فقه عبادی و دربرگیرنده احکام عباداتی مانند نماز، روزه و... است. فقه اجتماعی ناظر به حوزه گسترده‌ای از فقه اسلامی است که احکام تکلیفی و وضعی معطوف به روابط متقابل افراد در جامعه و افراد با سازمان‌ها، سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، روابط جامعه مؤمنان با دنیای خارج و به‌طورکلی مجموعه قواعد و مقررات برگرفته از عقل و شرع با هدف تعیین حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی در ساحت‌های مختلف حیات جمعی مؤمنان و اقتضائات و ملزومات اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی را در خود جای داده است. گسترش شمول واژه «اجتماعی» به [این معنا] همه آنچه گاه تحت عنوان فقه سیاسی، اقتصادی، قضایی، اداری و... از آن یاد می‌شود را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

۱. «فقه حکومتی» (رویکرد حکومتی به مجموعه فقه) را نباید با «فقه حکومت» (بخشی از فقه که ناظر به حکومت است)، اشتباه گرفت. از سوی دیگر، به‌رغم آنکه تلقی عمومی از موضوع فقه، «فعل مکلف» است، گفته شده که در رویکرد حکومتی به فقه، علی‌القاعده موضوع فقه، فعل فرد و جامعه است (ضیائی‌فر، درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، ص ۳۲). و از این‌رو «فقه حکومتی باید آشکارا درباره نوع حکومت به‌لحاظ استبدادی یا مردم‌سالار بودن، شرایط کلی حاکمان، روابط مردم و حکومت، حقوق و وظایف حکومت در قبال مردم و وظایف مردم در برابر حکومت سخن داشته باشد» (مقاله سیف‌الله صرامی در کتاب درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، ص ۱۳۷). به‌نظر امام‌خمینی، «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است؛ هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم. چنین رویکردی به فقه، آثار و لوازم فراوانی را به دنبال دارد؛ از همین‌رو امام‌خمینی و برخی فقیهان دیگر، بر این باورند که وجوب خمس و زکات با هدف اداره جامعه صورت گرفته است. امام‌خمینی رحمته‌الله‌علیه در خصوص سهم امام و سهم سادات در خمس، ایده مالکیت امام و سادات را نفی می‌کند و به‌صورت جدی معتقد است که از مجموع ادله خمس (چه در مورد سهم امام و چه در مورد سهم سادات) مالکیت آنان استفاده نمی‌شود. «در خصوص سهم سادات، تردیدی نیست که آنان، مورد مصرف این سهم هستند نه آن که مالک آن باشند... به بیان دیگر، بر والی واجب است هزینه‌های سال سادات را از سهم خمس پرداخت کند و اگر سهم سادات، اضافه بر مخارج سال آنان باشد از آن والی است و اگر کمتر باشد، والی باید از بیت‌المال جبران کند. و شکی نیست که نصف خمس [سهم سادات] به مراتب از نیاز سادات زیاده‌تر است. بیشتر اشاره کردیم که وجوب خمس در تمامی غنائم و سودهای حاصله، دلیلی است بر اینکه اسلام دولت و حکومت دارد و خمس برای نیازمندی‌های دولت اسلامی جعل شده است و نه صرفاً برطرف کردن نیاز سادات...» (امام‌خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۵۶-۶۵۵).

۲. ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با دکتر سیدحسین شرف‌الدین، ص ۱۰۲.

این نکته به درستی این‌گونه تبیین شده است که «فقه‌الاجتماع شاخه‌ای از فقه است که موضوع آن اجزای زندگی اجتماعی است، نه جامعه، جامعه موضوع فقه نیست... فقه‌الاجتماع، یعنی فقه زندگی اجتماعی، مثل خانواده... این بخشی از فقه است که در قدیم هم بوده، ولی در زمان ما می‌شود آن را به‌روز کرد و توسعه داد»<sup>۱</sup>.

به بیان دیگر، ورود فقه به عرصه روابط اجتماعی و نیز تعیین تکلیف صلاحیت‌های نهادهای سیاسی و اجتماعی، اصلی‌ترین ملاک برای تمایز بخشیدن میان فقه فردی و فقه اجتماعی است. براین اساس، فقه اجتماعی مجموعه متنوعی از ابواب فقهی را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از: فقه خانواده (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت)، فقه مدنی (عقود معین)، فقه اقتصادی (مالکیت و امور مالی)، فقه قضایی (مباحث مربوط به، قضاوت، حدود، دیات، آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا و...) و فقه سیاسی (احکام فقهی مربوط به امور حسبه، دولت و حکومت، جنگ و صلح، روابط بین‌الملل، معاهدات خارجی).

بدین ترتیب، با معیار قراردادن این برداشت از «فقه اجتماعی» برای دسترسی راحت‌تر به مباحث مرتبط با حقوق عمومی در فقه، تقسیم آن به فقه فردی و فقه اجتماعی، تقسیم مناسبی است؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، گستره «فقه اجتماعی» می‌تواند همه حوزه‌های مرتبط با فقه سیاسی، اقتصادی، قضایی، اداری و جز آن را دربرگیرد و آنچه استثنا می‌شود تنها حوزه عبادات است که زیرمجموعه فقه فردی قرار می‌گیرد، هرچند از رویکرد اجتماعی به برخی عبادات مانند نماز جمعه، حج، زکات، خمس نیز نباید غافل بود.

### برای مطالعه بیشتر

در نظر برخی، تقسیم فقه به فقه فردی و فقه اجتماعی، زمانی ممکن است که نوعی وجود انتزاعی برای جامعه اعتبار شده باشد تا فقه اجتماعی معنا پیدا کند. در چنین وضعیتی اولاً موضوع فقه فردی، افراد و اشخاص‌اند، درحالی‌که موضوع فقه اجتماعی، جامعه است و ثانیاً مکلف در فقه فردی، آحاد مردم و فرد فرد جامعه است به خلاف فقه اجتماعی که خطاب شارع قاعداً به اشخاص نیست بلکه متوجه جامعه است که به‌عنوان یک واحد اعتبار می‌شود. «بعضی تکالیف مثل جهاد، تکالیف جمعی است. موضوع تکالیف جمعی،

۱. ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با دکتر صدیق اورعی، ص ۹۷-۹۹.

جمع بما هو جمع است. فرد در خیلی از این موارد نمی‌تواند مکلف به تکلیف جمعی باشد، از باب اینکه شرط تکلیف، تمکن و قدرت است و برخی از تکالیف از حیثه توان فرد خارج است. برخی از مراتب جهاد ممکن است تکلیف فرد باشد، اما برخی از موارد جهاد از حیثه توان فرد خارج است و قدرت، شرط تکلیف است و در نتیجه تکلیف به جهاد تکلیف جمع خواهد بود. برخی مراتب نهی از منکر که نیازی به قوه جمع دارد یا اقامه حکومت که افراد با قطع نظر از آن هیئت اجتماعی قادر به اقامه حکومت نیستند، از وظایف جمع است. همان‌طور که افراد مورد و موضوع احکام ثانویه لاضرر، لاجرح و اضطرار قرار می‌گیرند، اجتماع هم موضوع احکام ثانویه قرار می‌گیرد. قاعده‌های هر دو می‌توانند موضوع حکم شرعی قرار گیرند» (ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با آیت‌الله محمد قائمی، ص ۷۲). برخی دیگر دامنه این مسئله را به حیات و مرگ جامعه هم کشانده‌اند: «اگر کسی یک انسان را کشت، حکمش در فقه، در قصاص و دیات بحث می‌شود. حالا اگر کسی جامعه‌ای را کشت، حکمش چیست؟ مرگ و زندگی جامعه در فقه ما نیامده است. مثلاً اگر کسی رئیس‌جمهور یک کشور شد و کشور را نابود کرد، حکمش چیست؟ حیات جامعه به نشاط، شادابی و تحولات اجتماعی جامعه است. موت جامعه به بی‌نشاطی، عدم تحرک و عدم تحولات اجتماعی جامعه است. آیا می‌توان احکامی را که درباره کشتن و زنده کردن انسان داریم در موت و حیات جامعه پیاده کنیم؟» (ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با دکتر احمد عابدی، ص ۸۴-۸۵). از طرفی برخی استادان ضمن پذیرش اصالت وجود جامعه برای اینکه موضوع حکم شرعی قرار گیرد، بر این نکته تأکید کرده‌اند که این امر با نظریه اصالت جامعه در جامعه‌شناسی متفاوت است. «جامعه در برابر فرد اصیل است و موضوعی برای احکام شرعی قرار می‌گیرد. اگر جامعه نبود موضوع حکم شرعی که در حقیقت عبارت از آن جامعه است، تحقق پیدا نمی‌کرد. به این معنا اصیل بودن جامعه درست است. ولی در علم الاجتماع اصیل بودن جامعه در مقابل فرد این است از ترکیب افراد در حقیقت یک آثار و ثمرات و نتایجی بار می‌شود که با آن افراد و مفردات جدا جدا آن حالت بار نمی‌شود. آن بحث دیگری است...» (ربانی، فقه اجتماعی، مصاحبه با آیت‌الله محمد قائمی، ص ۷۸).

به نظر می‌رسد نیازی به این‌گونه تکلفات برای اثبات اصالت جامعه نیست. آنچه باید به‌عنوان مبنا و مفروض مسئله قلمداد شود، رابطه دین و آموزه‌های آن با امور سیاسی و اجتماعی است. با چنین فرضی، در فقه نیز که بخشی از دین است، احکام اجتماعی وجود خواهد داشت. براین اساس، صرف خطاب تکلیفی به جمع مانند تکلیف به جهاد که تکلیفی جمعی است و نه فردی، نمی‌تواند توجیه‌کننده فقه اجتماعی مبتنی بر استدلال قائلان آن باشد. مثال روشن در این رابطه موضوع «امنیت» است. در فقه به هر دو مقوله امنیت فردی و امنیت اجتماعی، توجه و احکام مربوط به آن بیان شده است. امنیت چیزی جز مصونیت از تعرض نیست. از طرفی تعرض به جان یک شخص، حکم قصاص و مرگ را به دنبال دارد و از سویی هر شخصی با هدف ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت مردم، دست به اسلحه سرد یا گرم ببرد، محارب و مفسد فی الارض، تلقی می‌شود و برای این جرم، در شرع مقدس چند مجازات در نظر گرفته شده است.

روشن است که سلب امنیت اجتماعی در اینجا مرتبط با هیچ‌یک از دو معنای پیشین برای «جامعه» نیست.

نتیجه آنکه «فقه اجتماعی» اساساً دائرمدار اصالت یا عدم اصالت «جامعه» و به سخن دیگر مستلزم تلقی جامعه به‌عنوان هویتی اصیل و مستقل از افراد نیست و نفی و اثبات آن، نقشی در نفی و اثبات «فقه اجتماعی» ندارد.

برخی صاحب‌نظران با نگاه به کلیت فقه، رویکردهای موجود را در سه گروه دسته‌بندی کرده‌اند: ۱. فقه فردی (فقه به‌مثابه دانش استنباط احکام مکلفین)؛ ۲. فقه نظام‌های اجتماعی (فقه به‌مثابه دانش تنقیح نظامات)؛ ۳. فقه حکومتی (فقه در سطح استنباط احکام فردی و حتی استنباط و تنقیح نظامات اجتماعی متوقف نمی‌شود بلکه امر حکومت و اداره جامعه اسلامی و صیانت از نظام و مصالح مسلمانان، سایه خود را بر کلیت فقه می‌گستراند). مطابق رویکرد فقه نظام‌های اجتماعی، فقه فردی نمی‌تواند کلیت فقه را به نمایش بگذارد، بلکه بایست وجه اجتماعی نیز داشته باشد و افزون بر تعیین احکام آحاد مکلفان، بر محور استنباط احکام اجتماعی دین شکل‌گیرد؛ زیرا هر جامعه انسانی دارای کلان ساختارهایی است نظیر نظام سیاسی حاکم بر آن، نظام اقتصادی، نظام قضائی، نظام آموزشی و تربیتی و... از سوی دیگر، رویکرد فقه نظامات اجتماعی با رویکرد فقه فردی، تقابل ندارد، بلکه قلمرو و رسالت فقه را فراتر می‌بیند و در این رویکرد وجود دولت اسلامی و نظام سیاسی ملتزم به شرع و مبانی اسلامی، پیش فرض دانسته شده است؛ زیرا بدون برخورداری از حکومت دینی و نظام سیاسی متعهد به آن، تحقق چنین نظاماتی فاقد ضمانت اجرایی است. رویکرد سوم که فقه حکومتی است اختصاصی به بخشی از قلمرو فقه ندارد؛ بلکه همه حوزه‌های فقهی را دربرمی‌گیرد و اساساً فقه را متکفل امر اداره جامعه و حل معضلات فقهی و حقوقی ساحت‌های مختلف حیات جمعی می‌داند؛ برخلاف ترکیب‌هایی مانند فقه‌السیاسه، فقه‌الاداره، فقه‌الولایه، فقه‌التربیه و نظایر آن (واعظی، رویکردهای فقهی، ص ۱۳-۵۱).

## ۲-۲. آثار تفکیک بین فقه فردی و فقه اجتماعی

### ۲-۲-۱. تمایز در احکام شرعی به لحاظ تمایز در حیثیت فردی و حیثیت اجتماعی

چه‌بسا حکم به جواز موضوعی در وضعیت فردی و حکم به عدم جواز همان موضوع در وضعیت خاص اجتماعی داده شود. زمانی که آموزش و پرورش اجازه تحصیل به دختران متأهل را در دوره متوسطه روزانه نمی‌دهد یا یک نهاد نظامی به نیروهای خود اجازه ازدواج با اتباع بیگانه را نمی‌دهد، مصالحی را در نظر می‌گیرد که ناظر به روابط اجتماعی یا امنیت ملی است و به‌هیچ‌وجه جنبه فردی و شخصی ندارد. ورود فقه به این حوزه‌ها و تجویز یا عدم تجویز شرعی

چنین تصمیماتی، فقه را از عرصه فردی به عرصه اجتماعی وارد می‌کند. موارد زیادی هم وجود دارد که حکم شرعی گاه به حیثیت فردی و گاه به حیثیت اجتماعی مربوط است، مانند حرمت روزه‌خواری پنهانی و روزه‌خواری علنی؛ هرچند در اصل حرمت آن تفاوتی نیست، ولی در بُعد اجتماعی آثار دیگری بر آن مترتب می‌شود.

وقتی بحث از فقه ناظر به روابط اجتماعی است. گاه شخص دارای دو حیثیت است: حیثیت فردی و حیثیت اجتماعی و به بیان دیگر، جایگاه خاصی که مستلزم احکام متفاوتی است. برای نمونه، قرآن کریم در مورد همسران پیامبر اسلام می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»<sup>۱</sup>.

شخصی به نام سُقرانی (که از دوستان و پیروان اهل‌بیت بود) برای گرفتن مقرری به دربار منصور آمد و به‌رغم چند روز توقف، چیزی به او پرداخت نشد. در همین حال، امام صادق (علیه‌السلام) از پیش منصور بیرون آمد و سُقرانی حاجت خود را با ایشان در میان گذاشت. امام به او خوشامد گفت و به نزد منصور رفت، پس از دقایقی برگشت و مقرری سُقرانی را در آستین وی گذاشت و آهسته فرمود: ای سُقران! عمل خوب از همگان خوب است، اما از تو خوب‌تر است به‌دلیل انتساب به ما؛ و کار زشت از همگان زشت است، اما از تو زشت‌تر به‌دلیل انتساب به ما.<sup>۲</sup> سُقرانی می‌گوید: این کلام اشاره‌ای بود به کار زشت من؛ زیرا گاهی پنهانی شراب می‌خوردم. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است که خداوند در روز قیامت هفتاد گناه جاهل را می‌بخشد، درحالی‌که هنوز یک گناه از عالم را نبخشیده است.<sup>۳</sup>

قرآن داستان حضرت یونس را به هنگام ترک مردم خود همراه با خشم و عصبانیت و پیامدهایی را که برایش به‌وجود آمد، این‌گونه گزارش می‌کند: و [یونس] همدم آن ماهی را یادکن هنگامی که [به‌دلیل کفر قوم خود] از میان آنان در حال خشم بیرون رفت و گمان کرد که ما بر او

۱. احزاب، ۳۰.

۲. خَرَجَ الْعَطَاءُ فِي أَيَّامِ الْمَنْصُورِ، وَ أَقَامَ الشُّقْرَانِيُّ بِيَابِهِ أَيَّامًا لَا يَصِلُ إِلَيْهِ عَطَاؤُهُ؛ فَخَرَجَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ مِنْ عِنْدِ الْمَنْصُورِ، فَقَامَ الشُّقْرَانِيُّ إِلَيْهِ، فَذَكَرَ لَهُ حَاجَتَهُ، فَرَحَّبَ بِهِ، ثُمَّ دَخَلَ ثَانِيًا إِلَى الْمَنْصُورِ، وَ خَرَجَ وَ عَطَاءُ الشُّقْرَانِيِّ فِي كُمَّهِ فَصَبَّهُ فِي كُمَّهُ ثُمَّ قَالَ: يَا شُقْرَانُ، إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ، وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَ إِنَّ الْقَيْحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَيْحٌ، وَ هُوَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا (مجلسی، بحار، ج ۱۱، ص ۲۰۹).

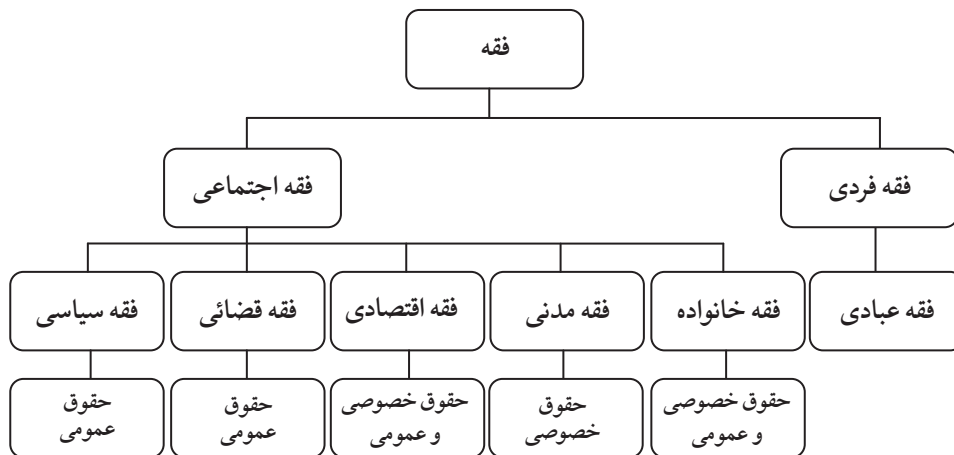
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) قَالَ: يَا حَفْصُ يُعْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُعْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷).

تنگ نخواهیم گرفت [و ما او را به کام نهنگ فروردیم] و او در آن تاریکی‌ها ندا داد که جز تو خدایی نیست و به یقین من از ستمکاران بودم.<sup>۱</sup> این پیامبر با اراده خداوند هفت روز در شکم ماهی بود. به فرموده خداوند: اگر یونس توبه نکرده بود، تا روز قیامت در شکم ماهی زندانی می‌شد.<sup>۲</sup> این داستان از آن جهت قابل تأمل است که حضرت یونس درحالی‌که گناهی نگرده بود، خود را به دلیل ترک مردمش ستمکار دانست و در پیشگاه خداوند استغفار کرد؛ زیرا جایگاه پیامبری و شأن اجتماعی وی اقتضا داشت به گونه دیگری با مردمش رفتار کند.

### ۲-۲-۲. تمایز در وضع و تفسیر قوانین

با عنایت به این که حیثیت فردی و حیثیت اجتماعی اشخاص، هریک می‌تواند اقتضای احکام متفاوتی داشته باشد و به بیان دیگر جایگاه خاص اشخاص، در پاره ای موارد مستلزم احکام متفاوتی است، این موضوع می‌تواند از سوی قانون‌گذار و نیز مقاماتی که صلاحیت تفسیر قوانین را برعهده دارند مورد توجه خاص قرارگیرد.

#### نمودار تقسیم‌بندی فقه



۱. «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء، ۸۷).  
۲. «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات، ۱۴۳ و ۱۴۴).

مطابق نمودار فوق، قسمت‌هایی از فقه اجتماعی در حوزه حقوق خصوصی و قسمت‌هایی در حوزه حقوق عمومی قرار می‌گیرد.

### ۳. موضوعات حقوق عمومی در متون فقهی

برخی مسائل و عناوینی که در فقه مرتبط با حقوق عمومی اند و در لابه‌لای ابواب فقهی مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از:

- ولایت و قضاوت؛
- امر به معروف و نهی از منکر؛
- امور حسبه که طیف گسترده‌ای از نیازمندی‌های عمومی را شامل می‌شود؛
- جهاد و امور دفاعی؛
- معاهدات با کفار و بیگانگان؛
- نظام کیفری اسلام، شامل حدود، قصاص، دیات؛
- واجبات مالی، مانند زکات، خمس، خراج و مالیات؛
- ثروت‌های عمومی، مانند انفال؛
- امور مربوط به اراضی.

### ۴. نگارش‌های ناظر به حقوق عمومی

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، مباحث مرتبط با حقوق عمومی از سوی فقیهان در لابه‌لای ابواب فقهی مطرح شده است. افزون بر آن، آثار مستقلی نیز از دانشمندان شیعه و سنی به زیور طبع آراسته شده است. برخی از این آثار در حوزه‌ای خاص از مباحث حکومت است، مانند کتاب‌های نوشته‌شده در موضوع حسبه یا کتاب‌های ناظر به خراج و مالیات در اسلام یا موضوع سیاست‌نویسی.<sup>۱</sup> برخی دیگر معطوف به حوزه‌های مختلف حکومت‌اند. نگارش‌های اهل سنت

---

۱. هدف اصلی سیاست‌نامه‌نویسی، راهنمایی پادشاهان بوده است. در قرن دوم این‌مقفع، راه و رسم شاهان ساسانی را وارد دربار خلفای عباسی کرد. کتاب الادب الکبیر وی راجع به شیوه‌های کشورداری و کتاب الادب الصغیر راجع به مباحث نظری حکومت است. سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک (وزیر شاهان سلجوقی و درگذشته ۴۸۵ قمری) از آثار بسیار مهم و تأثیرگذار بر تحول اندیشه سیاسی ایران و اسلام بوده است.



در این قسمت - به دلیل ارتباطی که از دیرباز با خلافت و حکومت داشته‌اند - بسیار فراوان است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سبب رونق گرفتن موضوعات مرتبط با حقوق عمومی در میان متفکران شیعه شد و افزون بر آن، به غنای این مباحث در میان اندیشمندان اهل سنت نیز افزود. در این قسمت صرفاً به معرفی برخی آثار مهم که در قالب کتاب نگارش شده و مرتبط با حقوق عمومی است اکتفا می‌شود.

#### ۴-۱. نگارش‌های اهل سنت

آثار بی‌شماری از اندیشمندان اهل سنت در حوزه فقه سیاسی و حقوق عمومی منتشر شده است. در اینجا به معرفی ده اثر از نویسندگان معاصر اهل سنت (به استثنای ماوردی که از قدما می‌باشد) بسنده می‌کنیم.

● **الاحکام السلطانية و الولايات الدينية (ابوالحسن علی بن محمد ماوردی درگذشته ۴۵۰ قمری)**  
ماوردی از فقهای شافعی مذهب دوره آل بویه بود و ارتباط نزدیکی با خلافت عباسی داشت. کتاب الاحکام السلطانية - که مهم‌ترین اثر وی می‌باشد - تلاش در جهت مشروعیت بخشی به خلافت عباسی است. این کتاب با نام آیین حکمرانی به فارسی ترجمه شده است. نظام سیاسی، اداری، مالی و جزایی حاکم در عصر خلفای نخستین و نیز دوران خلافت امویان و عباسیان، در کتاب‌هایی با همین عنوان بررسی شده است.

● **نظریة الاسلام و هدیة فی السياسة و القانون و الدستور (سید ابوالاعلی مودودی درگذشته ۱۹۷۹ میلادی)**

مودودی از اندیشمندان اسلام‌گرای قرن بیستم در هندوستان و پاکستان و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان در سال ۱۹۴۱ بود و به صورتی قاطع باور داشت که اسلام همه طرفیت‌ها و قوانین و مقررات لازم برای تأسیس نظام سیاسی - اجتماعی را دارا می‌باشد. اندیشه‌های مودودی بر افکار بسیاری، از جمله سید قطب، تأثیر فراوان گذاشت. کتاب نظریة الاسلام وی مجموعه‌ای است از شش رساله با عناوین نظریة الاسلام السیاسة، منہاج الانقلاب الاسلامی، القانون الاسلامی و طرق تنفیذہ، تدوین الدستور الاسلامی، حقوق اهل الذمة فی الدولة الاسلامیة، المبادئ الاساسیة للدولة الاسلامیة که توسط مترجمان مختلف از زبان اردو به عربی ترجمه شده است.

• **مِن فقه الدولة فی الاسلام (یوسف قرضاوی)**

دکتر یوسف قرضاوی از پرکارترین فقهای معاصر اهل سنت است و در اشتغالات علمی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی (تحقیق، تألیف، تدریس، افتاء، امور هنری، سخنرانی در همایش‌ها، همکاری با مراکز علمی و فرهنگی در جهان اسلام، عضویت در مؤسسات و شوراهای مختلف) گوی سبقت را از دیگران ربوده است. یوسف قرضاوی در این کتاب آرای خود دربارهٔ اموری چون نسبت اسلام و سیاست، جایگاه دولت اسلامی، موضع دولت اسلامی در برابر دموکراسی، تعدد احزاب سیاسی، نمایندگی زنان و... ارائه کرده است. این کتاب با عنوان فقه سیاسی به فارسی ترجمه شده است. خط‌مشی فکری و ترکیبی است از سلفی‌گری و نوگرایی.

• **فقه الحكومة الإسلامية بین السنة والشیعة و قرائة فی فکر الثورة الإيرانية (توفیق محمد**

**الشاوی)**

نویسنده آثار متعددی در حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق کیفری و نظریه‌های مرتبط با حکومت دینی دارد و در این اثر به تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی رحمته الله علیه دربارهٔ حکومت اسلامی پرداخته است. به نظر می‌رسد با توجه به اصل ۱۰۷ قانون اساسی که گزینش رهبر توسط مجلس خبرگان منتخب مردم صورت می‌گیرد، محمد شافی اظهار داشته است که در نظام ولایت فقیه، این مردم‌اند که حرف آخر را می‌زنند و نه عالمان دین. منابع مورد استناد نویسنده در تبیین اندیشه امام خمینی به‌طور عمده کتاب ولایت فقیه ایشان، کتاب دراسات فی ولایة الفقیه آیت الله منتظری، کتاب الخمینی و الدولة الإسلامية از محمد جواد مغنیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است و گویا به جلد دوم کتاب البیع که مباحث ولایت فقیه توسط امام خمینی به‌صورت فنی‌تر و دقیق‌تر نگارش شده است، دسترسی نداشته است.

• **الدولة فی الإسلام: الدستور و النظام السياسي (المركز الدولي للأبحاث)**

کتاب دولت در اسلام: قانون اساسی و نظام سیاسی، از کتاب‌های شاخص در اندیشه سیاسی اسلام است که تحت تأثیر تفکرات سرمایه‌داری نبوده و برگرفته از عقیده اسلامی است. کتاب توسط مرکز تحقیقات بین‌المللی نگارش یافته است.

• **النظام السياسي الاسلامي مقارنا بالدولة القانونية: دراسة دستورية شرعية و قانونية مقارنة**  
(دکتر منیر حمید البیاتی)

کتاب نظام سیاسی اسلام در مقایسه با دولت قانونی، توسط دانشگاه اسلامی غزه منتشر شده است. مباحث کتاب عبارت‌اند از: تعریف و پیدایش دولت قانونی، مقومات دولت قانونی در حقوق اساسی جدید و نظام اسلامی (وجود قانون اساسی، حاکمیت قانون و اعتراف به حقوق و آزادی‌ها)، ضمانت‌های تحقق دولت قانونی (تفکیک قوا، نظارت قضائی و...) و ضمانت‌های اختصاصی نظام اسلامی نسبت به حاکمیت قانون.

• **خصائص التشريع الإسلامی فی السياسة والحکم** (دکتر فتحی الدینی)

نام کتاب ویژگی‌های قانون‌گذاری اسلامی در سیاست و حکومت است. نویسنده از ابعاد مختلف علم اصول، فقه، حقوق و حتی فلسفه به بررسی موضوع پرداخته است.

• **کتاب الإسلام والدستور** (توفیق بن عبدالعزیز السدیری)

این کتاب شامل مباحثی چون تدوین قانون اساسی در اسلام، منابع قانون اساسی در اسلام، ویژگی‌های قانون اساسی در اسلام، کاربردهای قانون اساسی در عصر نبوی و خلفای اسلامی، مشروطه‌خواهی در سایر اعصار اسلامی و... است.

• **النظرية العامة لنظام الحکم فی الإسلام** (دکتر عطیة عدلان)

نویسنده نظریه عمومی نظام حکومت در اسلام ضمن اختصاص فصلی با عنوان «اسلام، دین و دولت است»، مبانی کلی نظام حکومتی در اسلام و نهادهای نظام سیاسی اسلامی را نیز بررسی کرده است.

• **مبادئ نظام الحکم فی الإسلام مع المقارنة بالمبادئ الدستورية الحديثة** (دکتر عبدالحمید متولی)

نام کتاب، مبانی حکومت در اسلام در مقایسه با اصول قانون اساسی نوین است. عبد الحمید متولی از حقوق‌دانان و متفکران معاصر مصری و از گروه اندیشمندانی است که به نظام سیاسی

از منظری دینی می‌نگرد. کتاب دیگر وی، الشریعة الاسلامیة کَمصدرٍ اساسیِّ للدُّستور (شریعت اسلام منبع اصلی قانون اساسی) است.

#### ۲-۴. نگارش‌های شیعه

هرچند تک‌نگاری‌های ناظر به فقه سیاسی و یا فقه دولت، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز وجود داشته است، اما عمده آثار چه در فقه سیاسی و چه در حقوق عمومی از منظر اسلامی - که بسیار فراوانند - در عصر جمهوری اسلامی ایران، نگارش یافته‌اند. با تأسف از اینکه نمی‌توان به همه آنها اشاره کرد، برخی از این آثار عبارت‌اند از:

##### • تَنْبِيهُ الْأُمَّةِ وَتَنْزِيهُ الْمَلَّةِ (میرزا محمد حسین نائینی)

آیت‌الله نائینی فقیه بلندآوازه عصر مشروطه است که در سال ۱۳۵۵ قمری چشم از جهان فرو بست. هرچند رساله‌های متعددی مربوط به نهضت مشروطیت نگاشته شده اما تنبیه الأُمَّة و تنزیه المِلَّة مشهورترین رساله‌ای است که مبانی فکری مشروطه را مطابق فقه سیاسی شیعی ارائه کرده و به‌رغم عنوان آن، به زبان فارسی نگارش یافته است. از اهداف مهم کتاب موجه‌سازی حکومت مشروطه و پاسخ به شبهات مخالفان مشروطه است. در همین راستا، رساله‌های متعدد دیگری توسط فقهای عصر مشروطه نوشته شده است که از جمله می‌توان به اللئالی المربوطة فی وجوب المشروطه از آیت‌الله شیخ اسماعیل محلاتی اشاره کرد.

##### • کتاب/البیع، جلد دوم (سید روح الله موسوی خمینی)

مجموعه پنج‌جلدی کتاب البیع آخرین اثر امام خمینی است که در نجف اشرف نگارش شده است. شیخ انصاری در کتاب مکاسب به مناسبت بحث از ولایت پدر و جد بر اموال فرزندان، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرده است. فقهای دیگر از جمله امام خمینی نیز با مبنا قراردادن کتاب مکاسب به هنگام تدریس خارج فقه، در این قسمت به تبعیت از شیخ انصاری درباره ولایت فقیه بحث کرده‌اند. بخشی از جلد دوم کتاب البیع امام خمینی (حدود ۶۰ صفحه) به بررسی «ولایت فقیه» اختصاص یافته است. مباحثی چون ضرورت حکومت و دخالت دین در

سیاست، دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیهان، ویژگی‌های حاکم و والی، قلمرو ولایت و اختیارات فقیه و... از جمله مباحث این قسمت از کتاب الیوم است. افزون بر کتاب الیوم می‌توان به کتاب ولایت فقیه اشاره کرد که حاصل سیزده جلسه درسی امام خمینی در فاصله ۱۳۴۸/۱۱/۱ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ شمسی در حوزه علمیه نجف با موضوع ولایت فقیه است. این مجموعه یک سال بعد در بیروت چاپ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به خفقان رژیم شاهنشاهی پهلوی با عنوان «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء» در ایران توزیع شد و مورد استقبال محافل علمی حوزه و دانشگاه، به‌ویژه انقلابیون، قرار گرفت.

#### • نظام الحکم و الادارة فی الاسلام (باقر شریف القرشی)

وی از عالمان و نویسندگان بنام شیعه اهل عراق است. این کتاب به زبان انگلیسی و نیز فارسی با عنوان نظام حکومتی و اداری در اسلام ترجمه شده و دربرگیرنده موضوعات گوناگونی از جمله حاکمیت و حکومت و نظام اداری از منظر اسلام است. شریف القرشی افزون بر کتاب‌های تاریخی، فقهی و قرآنی فراوانی که دارد، در موضوعات سیاسی، اجتماعی و حقوقی نیز آثار متعددی را نگارش کرده است: النظام التربوی فی الاسلام، النظام السياسي فی الاسلام، النظام الاجتماعي فی الاسلام، نظام الاسرة فی الاسلام، الاسلام و حقوق الانسان، العمل و حقوق العامل فی الاسلام (این کتاب به ده زبان زنده جهان ترجمه شده است).

#### • دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة (حسینعلی منتظری)

مجموعه چهارجلدی «دراسات...» حاصل سلسله مباحث درس خارج آیت‌الله منتظری پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. مبانی و مسائل مختلف حکومت اسلامی را از منظر فقهی و با عنایت به دلایل عقلی و نقلی بررسی کرده است. «تفکیک قوا» نویسنده از جمله مباحثی است که به‌ندرت توسط فقهای شیعه بررسی شده است. بخشی از مباحث جلد دوم کتاب دراسات به همین موضوع اختصاص یافته است. این کتاب جزو مبسوط‌ترین کتاب‌های ناظر به نظریه انتخاب در ولایت فقیه است که با نام «مبانی فقهی حکومت اسلامی» به زبان فارسی ترجمه شده است. کتاب نظام الحکم فی الإسلام نیز تلخیصی از کتاب دراسات فی ولایة الفقیه است که توسط دو نفر از شاگردان نویسنده، صورت گرفته است.

• **ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت (عبدالله جوادی آملی)**

این کتاب یکی از بهترین آثار مربوط به فقه سیاسی به زبان فارسی است. فصول هفت‌گانه این کتاب عبارت‌اند از: انسان، آزادی، عبودیت و قانون/ حکومت اسلامی و اهداف آن/ ضرورت ولایت فقیه/ ولایت فقیه یا وکالت فقیه/ وظایف و اختیارات ولی فقیه/ امام‌خمينی و ولایت فقیه/ پرسش و پاسخ؛ نقد و جواب/ می‌پردازد.

• **ولاية الامر فی عصر الغيبة (سیدکاظم الحسینی الحائری)**

کتاب در مقام پاسخ‌گویی به مهم‌ترین پرسش‌ها در ارتباط با «ولایت امر و امامت امت» در عصر غیبت است. از جمله مباحث مطرح‌شده در آن عبارت است از: شبهات پیرامون برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت، فقاہت شرط کلیدی حاکم اسلامی، چگونگی انتخاب والی، چگونگی نفوذ حکم فقیه نسبت به سایر فقها. نویسنده کتاب دیگری هم با عنوان الامامه و قيادة المجتمع دارد. آیت‌الله سیدکاظم حائری همانند اکثریت فقیهان، قائل به نظریه انتصاب است.

• **ولاية الامر: دراسة فقهية مقارنة (محمد مهدی الاصفی)**

کتاب در هفت بخش سامان یافته است. عناوین بخش‌ها عبارت‌اند از: «اصالت حاکمیت و سیادت در دین اسلام»، «دلایل وجوب برپایی دولت اسلامی و انتصاب حاکم»، «شرط فقاہت در حاکم»، «انتصاب حاکم در عصر غیبت»، «بیعت سیاسی»، «محوریت وحدت در ولایت امر» و «خطوط کلی دولت». اندیشه‌ها و افکار سیاسی آیت‌الله اصفی در آثار دیگر وی چون کتاب الاجتهاد و التقليد، سلطات الفقیه و صلاحیات، جهاد در قرآن، نیز بازتاب یافته و به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. آیت‌الله محمد مهدی اصفی همچون آیت‌الله منتظری، قائل به نظریه انتخاب است.

• **حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه (موسوی خلخالی)**

این کتاب اثری ارزشمند از آیت‌الله سید محمد مهدی موسوی خلخالی است. فصل اول کتاب به انواع و ارکان حکومت‌ها اختصاص یافته و در فصل دوم مراحل حاکمیت و حکومت و مشروعیت آن بررسی شده است. نویسنده در فصل سوم مراحل ده‌گانه‌ای را برای ولایت فقیه